

کانال منبع سوالات و جزوات

استخدامی آزمونی ها

آموزش و پرورش

وزارت بهداشت

دستگاه های اجرایی

بانک ها

و ...

<https://t.me/azmooniha1>

آموزش و پرورش

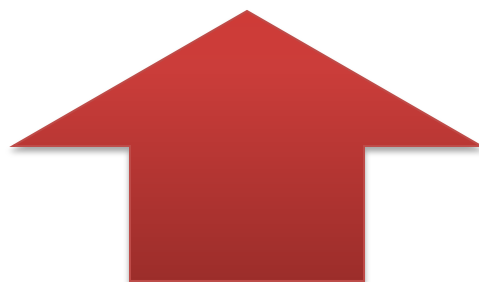
دستگاه های اجرایی

تمام منابع عمومی و تخصصی

جهت عضویت کلیک کنید

وزارت بهداشت

بانک ها و ...





@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن
خلاصه سلسله جلسات آیت الله سید علی خامنه ای حفظه الله
(رمضان ۱۳۵۳ شمسی)

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی

جلسه اول با موضوع: ایمان



امام خامنه ای مدظله العالی :
تلاش و حرکت آدمی که فلسفه بودن اوست ، نقطه آغاز و
سکوی پرشی دارد ... و آن "ایمان" است .
بدون "ایمان" هر حرکت و پویشی ناپایدار و بیفرجام است ...



- 1- عاقبت کافران
- 2- رحمت الهی در گرو اطاعت از خدا و رسولش
- 3- شتاب به سوی مغفرت
- 4- سه ویژگی مهم متقین
- 5- دو ویژگی دیگر برای متقین
- 6- ایمان
- 7- ویژگی های متقین حقیقی
- 8- وحدت هدف پیامبران و لزوم ایمان به مفاد دعوت



وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (آل عمران : 131)

بپرهیزید و پروا کنید از آن آتشی که آماده شده است برای کافران (حق پوشندگان)

معنای تقوا

تقوای الهی یعنی مجهز بودن در مقابل گناه

شرح : یک فرد مسلمان خودش را متقی می کند . دارای تقوا یعنی آن تجهیزات لازم را در مقابل آسیب گناه برتن می پوشد و برای دستگیری گناهکاران وارد منطقه گناه می شود .

وقتی که این معنای تقوا شد ، آیا تقوا مقدمه و وسیله ای برای پیروزی است یا نه ؟

می بینید که خیلی آسان وسیله ای برای پیروزی است.

رهبانیون مسیحیت ، برای آنکه دامنه شان به گناه آلوده نشود، گوشه گیری و ترک دنیا پیشه کردند، به غار ها و کوه ها و..... پناهنده شدند:

وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (حدید : 27)

اما عالم اسلامی رهبانیت ندارد . عالم اسلامی همانی است که سعی دارد بگیرد غریق را..... و خودش را متقی می کند

رحمت الهی در گرو اطاعت از خدا و رسولش (صفحه ۳۴ و ۳۵)

@fosselat

لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ

تا شاید مورد رحمت خدا قرار بگیرید

(آل عمران : 132)

اللَّهُ : خدا را

وَ أَطِيعُوا : اطاعت کنید

وَ الرَّسُولَ : و پیامبر را



سوال : به چه دلیل می فرماید که اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از پیامبر ؟

جواب : اگر فقط بگوید أَطِيعُوا اللَّهَ ، و پیامبر را به عنوان مصداق و نمونه ای ذکر نکند ، آن کسانی هم که در نقطه ی مقابل پیامبر قرار دارند ممکن است ادعا کنند که ما هم اطاعت از خدا می کنیم .

آیا ادعای ایمان ظاهری نشانه اطاعت و تسلیم است ؟

فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُخَكِّمُونَ فِيهَا شَجَرًا بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَزَجًا مِّمَّا قُضِيَتْ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء : 65)

رحم خدا یعنی چه ؟ (مقایسه میان بیان قرآن و پندار عامیانه ی مردم)

ما می گوئیم اگر گناهکاریم ، اگر نافرمانی خدا کردیم و اگر فقط یک امیدواری داریم ، آن رحم خداست .

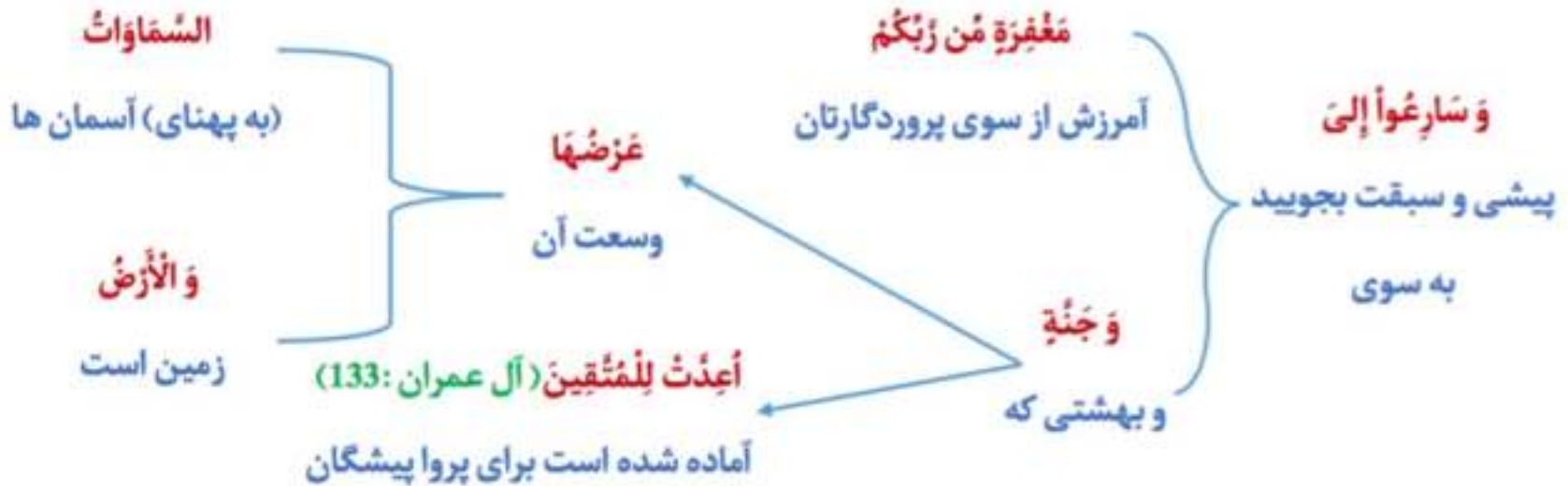
رحم خدا را برای کجا می دانیم ؟ برای آنجا که عمل نکردیم . بیان قرآن بر عکس است . می گوید عمل کنید ، اطاعت کنید ، شاید مورد رحمت الهی قرار بگیرید .
رحمت خدا آن وقتی است که یک ملتی به مسئولیت خود عمل کند .

اطاعت خدا چیست ؟ یعنی که تمام تکالیف و حجت های الهی را بر دوشمان حمل کنیم . آنچه را که بر عهده ما نهاده شده است ، انجام دهیم



شتاب به سوی مغفرت | میدان مسابقه الهی | (صفحه ۳۷ و ۳۸)

@fosselat



ای انسان مسابقه بده و سرعت بگیر: ای انسان به تونمی گویند از دیگران سرعت بگیر و در خانه بخواب. دین می گوید مسابقه بده، اما به سوی چه؟ به سوی چیزی که شایسته توست، نه به سوی زندگی پست دنیا بلکه به سوی مغفرت و بهشت الهی قرآن می گوید تو اگر می خواهی همت به چیزی بگماری، برای تو زمین و آسمان، اندک و ناچیز است، همت به بالاتر از اینها بگمار. مغفرت یعنی چه؟ ما این بخشش های دنیوی را دیده ایم خیال کرده ایم که مغفرت خدا هم همین است....

غفران یعنی خلنی که با گناه و نافرمانی در روح انسان به وجود آمده بر طرف شود. التیام پیدا کردن زخم روان با جبران کردن با توبه، با کوشش و سرعت گرفتن در مسیر کمال

(وَإِنِّي لَلْغَفَّارُ) (طه: 82) خداوند می گوید ما حاضریم، از آن اشتباهاتی که به وجود آمد صرف نظر کنیم، در صورتی که جبران شود.

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران: 134)
 و خدا دوست می دارد مردمان احسان کننده را



با تقوایان چه کسانی هستند؟ سه ویژگی دارند: 1- انفاق در آسایش و رنج 2- فرو بردن خشم 3- در گذشتن از اشتباهات مردم

معنای واژه انفاق: انفاق خرج کردن است اما نه هر خرج کردنی. انفاق خرج کردنی است که در آن یک خلئی پر شود و یک نیاز راستین برطرف شود. کجایند آن کسانی که میلیون ها خرج میکنند، به ظاهر هم برای کار های نیک مصرف می کنند تا از زبان قرآن به آنها بگوییم بد بخت ترین مردمند زیانکار ترین مردم و عاقبت آنها (قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا) (الذین ضلّ سعيهم في الخيوة الدنيا و هم يخيئون أنهم يخيئون صنعا) (کهف: 103 و 104)

معنای فرو بردگان خشم: یعنی بر اساس احساسات عمل نمی کنند، همه جا بر اساس عقل، نه فراموش کنندگان خشم.

گاهی عقل هم با خشم های درست همراه است. (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ) (فتح: 29)

عفو کنندگان مردم: از آن عمل خلافی که از روی تعمد و عنادا انجام گرفته است نباید صرف نظر کرد بلکه لغزش ها، قصور هایی که در کار عامه مردم زیاد هست منظورم است.

دو ویژگی دیگر برای متقین (صفحه ۴۲ و ۴۳)



پاداش خود نگه داران



صفات با تقویان : 1_ باقی نماندن در وادی غفلت (یاد خدا پس از ارتکاب گناه) 2_ استغفار از گناه

برکت یاد خدا : یاد خدا حربه ای است در دست ما علیه شیطان ها ، یاد خدا ریسمانی است در اختیار ما ، برای نجات از ورطه ای که دشمنان هوشیار ما ، در برابر ما به وجود آوردند. یاد خدا بسیار ارزشمند و قیمتی است

یاد خدا هنگام رویارویی با گناه ، روشنگر جان متقین :

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ عَذَابٌ مِنَ الشَّيْطَانِ نَذَرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف : 201)



ایمان چو قوی باشد

تلاش و حرکت آدمی - که فلسفه بودن اوست - نقطه ی آغاز و سکوی پرشی دارد و آن ایمان است .

ایمان یعنی باور ، پذیرش و پایبندی به آنچه برای آن و در راه آن به تلاش و جدّ و جهد است و به راهی که وی را به آن سر منزل می رساند و ...

بالاخره ، به خود این تلاش و حرکت بدون ایمان ، هر حرکت و پویشی ناپایدار و بی فرجام است و هر پوینده ای دلمرده و بی نشاط و سر انجام ، خموش و راکد و بی حرکت ...

تکیه قرآن بر روی "ایمان" و "مومن" و معرفی این خصلت به عنوان برترین ارزشها و سرآمد ترین خصلت های انسان ، از این واقعیت سرچشمه می گیرد

ویژگی های متقین حقیقی



لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ
الْمَشْرِيقِ وَالْمَغْرِبِ
یعنی آن نیست که چهره به سوی خاور و باختر بگردانید

اول: آمَنَ ب
ایمان آورد به

- ۱- اللّٰه (خدا)
- ۲- وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ (و روز واپسین)
- ۳- وَ الْمَلَائِكَةِ (و فرشتگان)
- ۴- وَ الْكِتَابِ (و کتاب آسمانی)
- ۵- وَ النَّبِيِّنَ (و پیامبران)

دوم: وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ
و مال را با همه شیفتگی اش بدان عطا کند به

- ۶- ذَوِي الْقُرْبَىٰ (زردگان)
- ۷- وَ الْيَتَامَىٰ (و یتیمان)
- ۸- وَ الْمَسْكِينِ (و افتادگان)
- ۹- وَ ابْنِ السَّبِيلِ (و در راه ماندگان)
- ۱۰- وَ السَّائِلِينَ (و سائلان)
- ۱۱- وَ فِي الرِّقَابِ (و بردگان)

لیکن البرّ من
نیکو آن کس است که

سوم: ۱۲- وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ
و نماز را به پا دارد

چهارم: ۱۳- وَ آتَى الزَّكَاةَ
و زکات مال را بپردازد

پنجم: ۱۴- وَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا
و آنان که چون ایمان بستند بر سر ایمان خود ایستاده اند

- البَّاسِمِ (سخنی های زندگی دنگدستی و بیماری)
- ششم: ۱۵- وَ الصَّابِرِينَ فِي** وَ الشُّرَاهِ (و زبان)
- وَ حِينَ الْبَأْسِ (و در میدان جنگ)

أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
اینهاند آنان که (در داعیه طلب و پویندگی)
سخن به راستی و درستی گفته اند
وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۱۷۷)
و هم اینهاند دارندگان تقوا (۱۷۷)

بقره ۱۷۷



وحدت هدف پیامبران و لزوم ایمان به مفاد دعوت

@fosselat



اول : الله
خدا

دوم : وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا

و به آیینی که برای شما فرو فرستاده شده

إِبْرَاهِيمَ

وَ إِسْمَاعِيلَ

وَ إِسْحَاقَ

وَ يَعْقُوبَ

وَ الْأَنْبِيَاءَ وَ نُوَادِيَكَ

سوم : وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا

و به آیینی که فرستاده شده است به

مُوسَى

چهارم : وَ مَا أُوتِيَ

و به آنچه داده شده اند

وَ عِيسَى

پنجم : وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ

و به آنچه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده اند

قُولُوا آمَنَّا بِهِ
گو ایمان آوردیم به

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ

میان آنان از جهت پاسبری و اعزاز خدائی هیچ تفاوتی نمی گذاریم

وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۶)

و ما در برابر خدا تسلیم هستیم (۱۳۶).

سوره بقره

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا ... (۱۳۷)

پس اگر ایمانی همانند ایمان شما یابند ، به حقیقت ، هدایت یافته اند



@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن
خلاصه سلسله جلسات آیت الله سید علی خامنه ای حفظه الله
(رمضان ۱۳۵۳ شمسی)

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی

جلسه دوم با موضوع: ایمان ۲ (ایمان راستین)
[ایمان نقطه آغاز حرکت انسان]



امام خامنه ای مدظله العالی :

آن وقتی ایمان به صورت راستین در کسی وجود دارد که بر طبق آن ایمان عمل کند .
آن وقتی کسی می تواند ادعا کند مومن واقعی ست ، که به لوازم ایمان و تعهدات
ایمان پایبند باشد .

۱- سه تکلیف مهم مومنان در مورد غنائم جنگی (انفال)

* شرح و توضیح آیه ابتدایی سوره انفال

۲- صفات مومنان و شرایط ایمان [صفات پنجگانه مومنان حقیقی] (انفال آیات ۲ الی ۱۴)

اول : ترس از خدا

دوم : زیاد شدن ایمان

سوم : توکل بر پروردگار

چهارم : اقامه نماز

پنجم : انفاق

* پاداش مومنان حقیقی

۳- مسائل ایمان در قرآن

۴- اوصاف نیکو کاران واقعی و متقین [ها ویژگی خود نگه داران]

۵- ایمان به همه پیامبران تنها راه هدایت و نجات



سه تکلیف مهم مومنان در مورد غنائم جنگی (انفال)

@fosselat

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ

از تو درباره انفال پرسش می کنند

=> قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ

بگو انفال متعلق به خدا و رسول است

اتَّقُوا اللَّهَ

از خدا پروا کنید

فَإِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

اگر مومن می باشید

وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ

و فیما بین خود را اصلاح نمایید

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

و از خدا و رسولش اطاعت کنید

(انفال آیه ۱)

- معنای واژه انفال

انفال: ثروت هایی که به عموم مسلمانان متعلق است مثلا در آمدهایی که در جنگ نصیب مسلمانان می شود، معادن (ثروتهای زیرزمینی)، جنگل ها، دشت ها و مراتع
آن ثروت هایی را گویند که متعلق به یک فرد خاص یا به یک جمع خاص نیست، در اختیار همگان است، از آن تمامی ملت است (ثروت های عمومی)

- **شان نزول**: در "جنگ بدر" مسلمانان پس از پیروزی با همدیگر بحث می کردند که این غنیمت ها از آن کیست؟ میان آنها اختلاف به وجود آمد، به پیامبر اکرم (ص) مراجعه کردند، و از آن حضرت سوال کردند، آیه مورد بحث نازل شد.

(صفحه ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ کتاب طرح کلی)

شرح و توضیح آیه ابتدایی سوره انفال

اگر مومن هستید، این سه کار را انجام دهید :

اولا تقوای خدا پیشه کنید ،

ثانیا اختلافات میان خود را به سود حقیقت از بین ببرید ، برای مسائل جزئی به جان هم نیفتید .

ثالثا به فرمان خدا و پیامبر راه بیفتید

نکته ها :

۱- آنچه مال خداست ، در حقیقت مال بندگان خداست . باید در راه مصالحی که خداوند معین کرده ، صرف و خرج بشود .

وقتی رسول از دنیا رفت ، **امام** همه کاره انفال است . امام یعنی حاکم الهی و روزگاری که امام معصوم بر مردم حکومت نمی کند ، آن کسی که از سوی خدا می تواند و می باید بر مردم حکومت بکند ، او همه کاره انفال (ثروت های عمومی) می شود .

۲- در منطق قرآن به صرف اینکه قلب انسان به یک قطبی وابسته است ، اما شعاع این وابستگی در عمل منعکس نیست به درد نمی خورد ، بلکه اصلا نام ایمان از نظر اسلام به او صدق نمی کند. آن وقتی ایمان به صورت راستین در کسی وجود دارد که بر طبق ایمان « عمل » کند .

[صفحه ۴۹ و ۵۰ کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی]

صفات مومنان و شرایط ایمان | صفات پنجگانه مومنان حقیقی |

@fosselat

إِنَّمَا
الْمُؤْمِنُونَ

الذین

۱- إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

۲- وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ
زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

۳- وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ {۲}

الذین

۴- يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

۵- وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ {۳}

أُولَئِكَ هُمُ
الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

لَهُمْ

دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَمَغْفِرَةٌ
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ {۴}

[سوره انفال آیات ۲ الی ۴]

صفات مومنان و شرایط ایمان | صفات پنجگانه مومنان حقیقی |

اول : ترس از خدا

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

منحصراً مومنان آن کسانی هستند که

إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

چون خدا یاد شود ، دل‌هایشان به بیم می آید.



معنای واژه وَجَلَّ : ترس و بیم و رعب ، احساس عظمت در برابر پروردگار و حقارت در خود .

تفسیر فراز : ترسیدن از خدا به معنی ترسیدن یک گنه کار در مقابل قاضی نیست ، در ترسیدن گنه کار با نداشتن گناه ، ترس ، منتفی است .

اما نوع دیگر ترس که ناشی از معرفت است ، بر اثر توجه به یک چیز عظیم و یک حقیقت با شکوه روی می دهد و ناشی از احساس حقارت در مقابل اوست . کسی که در مقابل پروردگار ، خود را کوچک و ناقص و حقیر می بیند ، سعی می کند جز از آن خط سیر مستقیمی که خدای عالم برای او معین کرده ، از راه دیگری سیر نکند و این بزرگترین ضامن اجرایی حرکت و تلاش است در یک انسان مسلمان و یک جامعه اسلامی

صفات مومنان و شرایط ایمان [صفات پنجگانه مومنان حقیقی]

دوم : زیاد شدن ایمان ۲



وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

و چون آیات خدا برایشان فرو خوانده شود ، ایمانشان افزون گردد .

تفسیر فراز : ایمان به صورت یک آب را کد در وجود مومن معنی ندارد.

یک چنین ایمانی یک روزی هم از دست انسان به آسانی گرفته می شود . (ایمان عاریت)
 مومن راستین ، کسی است که اگر یک کلمه از حقایق و معارف دینی و الهی در دل اوست ، با
 اندیشه و تدبر و زیادتر کردن ایمان ، این ایمان را از زایل شدن نجات دهد .

- اشاره : جواب کسانی که می گویند قرآن ترجمه و تفسیر نمی شود :

از آیه استفاده میکنیم و به آن کسانی که می گویند قرآن را - چون عقل ما به آن نمی رسد - نباید
 ترجمه و تفسیر کنید می گوییم **اگر ما قرآن را نمی توانستیم بفهمیم چگونه
 ایمان ما با خواندن قرآن زیاد می شود ؟**

پس پیداست قرآن کتاب رمز نیست ، باید آن را خواند به قصد فهمیدن و فهمید به قصد نیرومند
 تر شدن ایمان .

صفات مومنان و شرایط ایمان | صفات پنجگانه مومنان حقیقی |

۳ سوم : توکل بر پروردگار



@fosselat



وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

(انفال ۲)

و تنها بر پروردگارشان توکل (تکیه) می کنند .

تفسیر فراز : معنای نادرست توکل : یعنی دست روی دست می گذارند و می گویند خدا خودش درست می کند ؟ نه آن کسی که دست روی دست می گذارد ، در مقابل تعهد ها و تکلیف ها و مسئولیت ها ، به جای اینکه نیروی خود را مسئول بداند ، معجزه ی خدایی را مسئول فرض می کند . مثل بنی اسرائیل که به موسی (ع) می گفتند تو و پروردگارت بروید و مشغول جنگ بشوید و ما اینجا نشسته ایم : **فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ** (مائده ۲۴)

توکل یعنی در همه حال اتکا و امیدت به خدا باشد .

اشاره : دو بال نیرومند برای پرواز انسان در تلاش های زندگی

به نظر من دو بال نیرومند برای پرواز انسان در تلاش های زندگی :

۱- صبر ۲- توکل

=> هر امتی که این دو بال را داشته باشد ، از تیر رس دشمن های خاکی به کلی دور خواهد شد .

صفات مومنان و شرایط ایمان | صفات پنجگانه مومنان حقیقی |

چهارم: اقامه نماز [ارتباط با خداوند] ۴



الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ (انفال ۳)

آنانکه نماز را بپا می دارند .

- تفسیر فراز

* چند احتمال در تفاوت بین يُصَلُّونَ (نماز می خوانند) و يُقِيمُونَ :

الف) "اقامه نماز" یعنی نماز را به صورت کامل ، همه جانبه و تمام به جا آورد . اگر کسی نماز را با ارکان صحیح و باتوجه به آموزش ها و الهام های نماز ، به جا آورد ، جدا رستگاری در انتظار اوست . اقامه در زبان عربی یعنی کار را به صورت کامل انجام دادن .

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا (سوره روم ۳۰)

همه صورت و وجود را به سوی دین برگردان ، به صورت کامل

ب) "اقامه نماز" یعنی در جامعه نماز را به پا می دارند ، جامعه را نماز خوان می کنند . اگر کسی خوب نماز بخواند اما به دیگران کاری نداشته باشد ، این عمل نشانه ایمان نیست .

اقامه نماز یعنی جامعه را نمازخوان کردن ، نه به معنای اینکه فقط یک عبادت را همه انجام دهند . جامعه نماز خوان یعنی جامعه ای که دائماً به یاد خدا و در راه خداست .



وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (انفال 3)

و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند .

- معنای واژه "انفاق" انفاق: یعنی پر کردن خلاها و نیازها

- آن خرج کردنی که خلا و نیازی را پر نکند انفاق نیست .

- تفسیر فراز: مومنان کسانی هستند که از آنچه ما به آنها روزی داده ایم، پول، عمر، فرزند، آبرو، توان جسمی، زبان،

فکر و مغز و همه امکاناتی که به آن ها داده ایم خرج (انفاق) می کنند . [انفاق مادی و معنوی]

اشاره: گاهی هم انسان با نام دین پول خرج می کند، در حالی که انفاق نکرده است وحشت نکنید از این سخن که

واقعیتی است و چه واقعیت تلخی!

چقدر پول هایی که به نام دین مصرف می شود، خرج می شود، اما انفاق نیست .

این ها چون خلئی را پر نمی کند، چون دردی را به درمان نمی رساند، چون نیازی از این

جامعه مستمند را برطرف نمی کند.

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا {۱۰۳} الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ

يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا {۱۰۴} (کهف ۱۰۳ و ۱۰۴)

بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از نظر کوشش و تلاش آگاه کنیم؟ (103) هم آنان که کوششان در زندگی دنیا تباه شده درحالی که می پندارند

کوششی نیکو دارند (104)

صفات مومنان و شرایط ایمان [صفات پنجگانه مومنان حقیقی]

پاداش مومنان حقیقی *

@fosselat

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا — لَهُمْ — دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَمَغْفِرَةٌ — وَرِزْقٌ كَرِيمٌ [انفال ۴]

مؤمنان حقیقی فقط اینانند، برای آنان نزد پروردگارشان درجاتی [والا و غیر قابل توصیف] و آمرزش و رزق با ارزشی است

معنای واژه "مغفرت" و "رزق کریم"

مغفرت: یعنی التیام بخشیدن به جراحتی که گناه در روح انسان به جا می گذارد .

رزق کریم: روزی شرافتمندانه

تفسیر: یک جامعه آن وقتی عزیز و شرافتمندانه روزی می گیرد که

مومن باشد . و دارای این صفات پنج گانه . روزی شرافتمندانه و

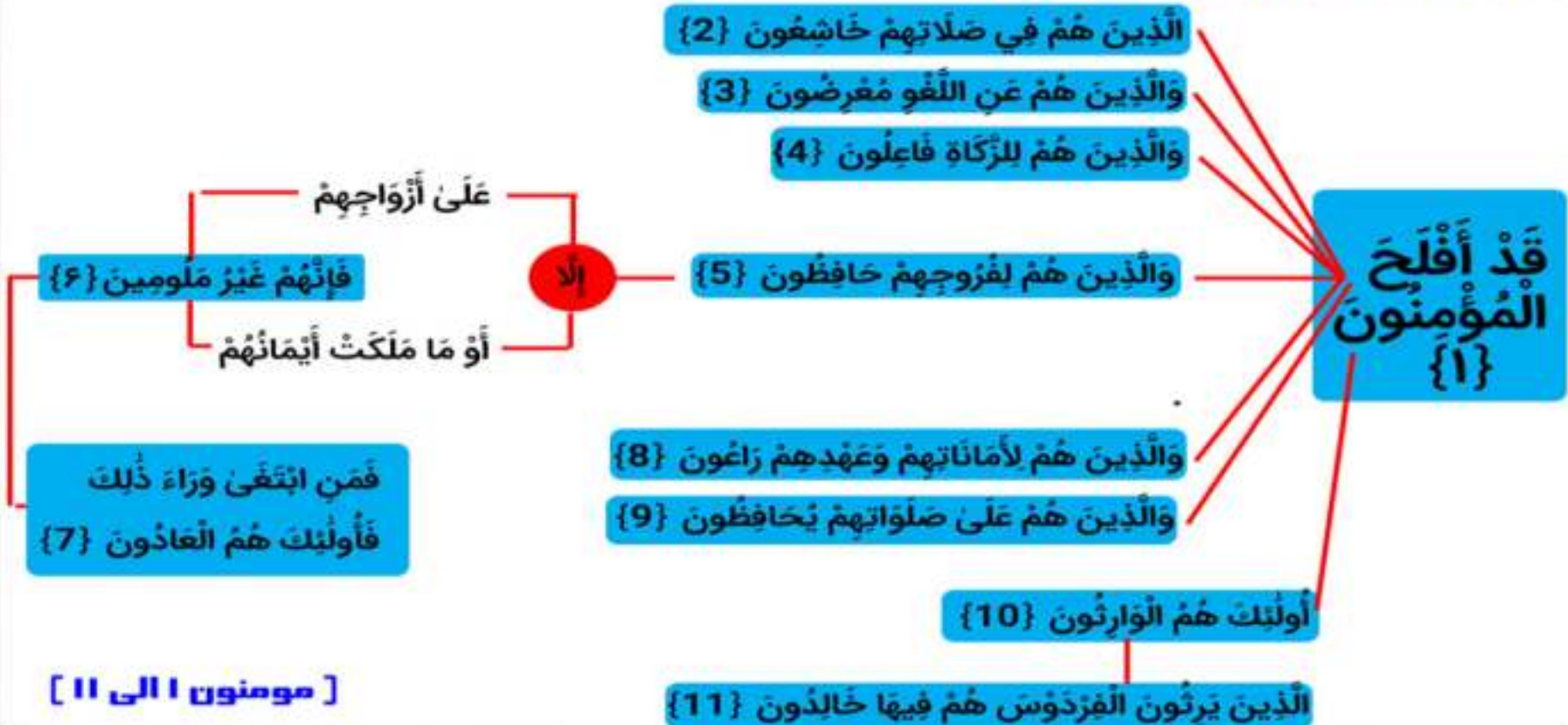
کریمانه بدون ذلت ، عسرت و سرافکنندگی می گیرند .

مسائل "ایمان" در قرآن

@fosselat

در مورد ایمان ، مسائل زیر ، در قرآن مورد توجه و دقت قرار گیرد :

- ۱- نقش آن ، در روان مومن ، در زندگی اجتماعی و ...
- ۲- لزوم آگاهانه بودنش (نه مقلدانه ، یا متعصبانه)
- ۳- تعهدات عملی اش (از قبیل تعهدات ششگانه یاد شده در آیات ابتدایی سوره مومنون و انفال و ...)
- مومنات رستگار و پیروز [۶ ویژگی]



[مومنون ۱۱ الی ۱۱]

اوصاف نیکوکاران واقعی و متقین (ها و ویژگی)

@fosselat

المَشْرِقِ (خاور)

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ

نیکی این نیست که رویتان را به سوی

وَالْمَغْرِبِ (و «یا» باختر نماید)

۱ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ : و لیکن نیکی (و نیکوکار) کسی است که

۱- بِاللَّهِ به خدا

۲- وَالْيَوْمِ الْآخِرِ روز بازپسین

۳- وَالْمَلَائِكَةِ و فرشتگان

۴- وَالْكِتَابِ و کتاب (الهی)

۵- وَالنَّبِيِّينَ و پیامبران

۲ ءَامِنٌ

ایمان آورد

۱- ذَوِي الْقُرْبَىٰ نزدیکان

۲- وَالْيَتَامَىٰ و یتیمان

۳- وَالْمَسَاكِينِ و ینوایان

۴- وَابْنِ السَّبِيلِ و در راه مانده

۵- وَالسَّائِلِينَ و گدایان

۶- وَفِي الرِّقَابِ و در [راه آزاد کردن] بردگان

۳ وَءَاتَىٰ الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ

و به صرف برساند (خود) را (در حالی که دوستش دارد)

(بقره ۱۷۷)

ادامه... اوصاف نیکوکاران واقعی و متقین (ها و ویژگی)

۴ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ : و نماز را بر پا دارد

۵ وَ آتَى الزَّكَاةَ : و [مالیات] زکات را پردازد

۶ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا : و (کسانی که) چون عهد بستند، به عهد خود وفا دارند

۱- البأساء : سختی (زندگی)

۲- والضراء : و زیان (جسمی)

۳- و حین البأس : و به هنگام سختی (جنگ)

۷ وَ الصَّابِرِينَ فِي

و شکیبایند در

أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا : آنان کسانی هستند که راست می گویند

(بقره ۱۷۷)

وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ : و تنها آنان پارسا (و خود نگهدار) هستند.»

ایمان به همه پیامبران تنها راه هدایت و نجات (سوره بقره ۱۳۵ الی ۱۳۷)

و [اهل کتاب به مسلمانان ثابت قدم] گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید. [ای پیامبر! تو به هر دو طایفه] بگو: [خواستۀ باطل شما را هرگز نمی‌پذیریم] بلکه از آیین ابراهیم یکتاپرست که از مشرکان نبود پیروی می‌کنیم، [و یابیند به آن دین خالص توحیدی هستیم] (135)

[شما ای اهل ایمان! با صدای رسا] بگویید: ما به خداوند و آنچه به‌سویمان نازل شده، و به آنچه به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [آراسته به مقام نبوت] آنان فرستاده شده، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان عطا شده ایمان آوردیم، بین هیچ‌یک از آنان [در این‌که پیامبر خدایند] تفاوتی قائل نیستیم، و ما در برابر خداوند تسلیم هستیم

إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ
وَيَعْقُوبَ
وَالْأَسْبَاطَ

اللَّهُ
وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا
وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْ
وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى
وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ

قُولُوا آمَنَّا بِ—

= < لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ {۱۳۶}

پس اگر [اهل کتاب] به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید [مثل ایمان به خدا، پیامبران و کتاب‌های الهی] ایمان بیاورند قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر [از حقایق الهی] روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی [با حق] هستند، پس به‌زودی خداوند شَرّ آنان را [با کشته‌شدن یا آوارگی از خانه و شهر] از تو دفع خواهد کرد، و خداوند شنوای دعا] و دانای] به همه امورا] است (137)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا
وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ {۱۳۷}



@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

طرح گئی اندیشہ اسلامی در قرآن
خلاصہ سلسلہ جلسات آیت اللہ سید علی خامنہ ای حفظہ اللہ
(رمضان ۱۳۵۳ شمسی)

تہیہ شدہ توسط حجت الاسلام علی رجبی

جلسہ سوم با موضوع: ایمان از روی آگاہی
[فقط ایمان آگاہانہ و از روی بصیرت باقی می ماند]



امام خامنہ ای مدظلہ العالی :
اگر بخواہیم ایمان، "ایمان آگاہانہ" باشد، باید دائما آگاہی بدهیم بہ آن کسانی کہ می
خواہیم مومن باشند .
"خردمندان" یعنی آنها کہ نیروی فکر و اندیشہ و خرد را بہ کار می زنند تا خردمند می شوند

۱- ایمان صفت برجسته رهبران الهی (بقره ۲۸۵)

* شرح و توضیح آیه (آمن الرسول) (بقره ۲۸۵)

۲- انواع ایمان [آگاهانه و ناآگاهانه]

* تبیین "ایمان آگاهانه" با مثال

۳- ایمان آگاهانه خردمندان در قرآن [سوره آل عمران آیات ۱۸۹ الی ۱۹۴]

۴- تخطئه ایمان ناآگاهانه [مائده ۱۰۴]

[آگاهی: ترجمه آیات پاور از سایت شیخ حسین انصاریان]

ایمان صفت برجسته رهبران الهی (بقره ۲۸۵)

@fosselat

آمَنَ الرُّسُلُ وَالْمُؤْمِنُونَ | بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ

كُلُّ آمَنٍ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْهُ وَكُتِبَ وَرُسُلِهِ

وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

پیامبر به آنچه از ناحیه پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده، و همه مؤمنان به خداوند و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران‌ش ایمان آورده‌اند، [بر پایه ایمان استوارشان می‌گویند:] ما میان هیچ‌یک از پیامبران او [در این جهت که فرستاده‌خدایند] معتقد به جدایی نیستیم. و [به راستی و درستی] گفتند: ما [همه دستورها و فرمان‌های خدا را با گوش پذیرش] شنیدیم، و اطاعت کردیم، پروردگارا! آمرزشت را [به سبب کوتاهی در بندگی] خواهیم، و بازگشت به سوی توست

ایمان صفت برجسته رهبران الهی (بقره ۲۸۵)

* شرح و توضیح آیه (آمن الرسول) (بقره ۲۸۵)

- پیامبران خود به آنچه به آنها نازل شده ، ایمان آورده اند و مانند رهبران سیاسی نیستند که به آنچه می گویند ایمان لازم را نداشته باشند .
سیاستمداران عالم ، احیانا سخنان زیبایی و بیانات دلکش و شیوایی ممکن است داشته باشند ، اما به آنچه می گویند ، ایمان ندارند .

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ... (بقره ۲۸۵)

در این ره انبیاء چون سارباشند
دلیل و رهنمای کاروانند

=> نتیجه : ایمان و باور ، خاصیت وابستگان به دعوت اسلام است. ایمان پیامبران و یارانش از یک جنس است ، چون راه یکی است .

معنای واژه " سَمِعَ "

سمع یعنی شنوایی ، حالت شنوایی ، غیر از گوش است .

" گوش " به معنای یک عضو بدن ، لفظ " اذُن " در عربی تعبیر می شود .

وقتی می گویند سَمِعْنَا : یعنی ما با تمام وجود فهمیدیم آنچه را خدا برای ما معین کرده و فرستاده بود . و اطاعت ما از روی روشنی و آگاهی و سمع بود .

انواع ایمان | آگاهانه و ناآگاهانه |

@fosselat

۱- ایمان مقلدانه : از بعضی ها اگر پرسى ، از کجا گفتى که پیامبر اسلام حق است ؟ هیچ نمى دانند . چون مردم کوچه و بازار و پدرها و معلم توى مدرسه مى گویند پیغمبر حق است ، این هم مى گوید پیغمبر حق است .
البته ایمان هم دارد ، یعنى باورش آمده که پیامبر حق است . اما این باور از روی تقلید و چشم بسته بدست آمده است .

۲- ایمان متعصبانه : این هم مثل ایمان مقلدانه است ، که بعضی ها حاضرند العیاذ بالله به پیغمبر های دیگر بی احترامی کنند ، برای خاطر دلخوشی پیغمبر ما ! چون فلان عمل را ما مسلمان ها انجام مى دهیم درست است و چون دیگران فلان عمل دیگر را انجام مى دهند غلط است . یک ایمانی دارد ، اما این ایمان متکی به دلیل نیست ، فقط از روی تعصب است .

=> ایمان مقلدانه و متعصبانه در اسلام ، هیچ قیمتی ندارد . یکی از دلایل آن ، این است که ایمان وقتی از روی تقلید و تعصب بود ، زائل شدنش هم به آسانی کسب خود ایمان تقلیدی آسان است .

ایمان ارزشمند : **"ایمان آگاهانه"** است . ایمان توأم با درک و شعور است ، ایمانی است که از روی بصیرت و چشم باز و بدون ترس از اشکال و شبهه بوجود آمده است .

انواع ایمان | آگاهانه و ناآگاهانه |

* تبیین "ایمان آگاهانه" با مثال

ایمان ارزشمند ، ایمانی است که آن چنان آگاهانه انتخاب شده باشد که در سخت ترین شرایط هم آن ایمان از او گرفته نشود .



إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ (نحل ۱۰۶)

مگر کسی که [با فشار دشمن] مجبور [به اظهار کفر] شود ولی دلش به [باورهای مبتنی بر] ایمان آرام باشد

=> آیه قرآن می گوید : اگر در زیر شکنجه ، برای خاطر آنکه دشمن را از خود ، لحظه ای منصرف کنی ، یک جمله گفتی ، بگو ایمان تو ایمانی نیست که با شکنجه از قلبت زائل شود :
مثل **عمار یاسر**

و **ایمان آگاهانه خباب بن ارت** : آهن را داغ می کردند به گردنش می چسبانده ، شوخی نیست ، آهن گداخته را به بدنش نزدیک می کردند و به پوست بدنش می چسبانیدند ، او به خاطر آن ایمان آگاهانه عمیقش ، دست بر نمی داشت ، ایمان این است .

آگاهی : آیات انتهایی سوره آل عمران (۱۹۰ الی ۱۹۴) ، ایمان آگاهانه را به ما معرفی می کند با بیان **دعاهای پنجگانه خردمندان "اولی الالباب"**

[سورة آل عمران آیات ۱۸۹ الی ۱۹۴]

- الف)** حکومت و قدرت بی کران خدا
- ب)** ویژگی های خردمندان و هدفمندی جهان
- ج)** نیایش دیگری از خردمندان و فرجام ستمگران
- د)** لبیک خردمندان به ندای منادی ایمان
- هـ)** دعای پایانی خردمندان



ایمان آگاهانه خردمندان در قرآن

الف حکومت و قدرت بی کران خدا

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ | = وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران ۱۸۹)

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره خداست، و خداوند بر هر کاری تواناست

- یکی از راه‌های خدا شناسی (جهان شناسی)

إِن فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاختِلَافِ | = لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (آل عمران ۱۹۰)

مسئلاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و رفت و آمد شب و روز نشانه‌هایی [بر قدرت، ربوبیت و رحمت خداوند] برای خردمندان است

- معرفی اولی‌الالباب (خردمندان)

در فرهنگ قرآنی به کسی که زرنگی رایج در روابط اجتماعی دارد "خردمند" نمی‌گویند. خردمند آن که دارای خرد و نیروی فهمیدن است و آنان همه مردمند، در صورتی که فکر و هوششان را به کار بیندازند.

ایمان آگاهانه خردمندان در قرآن

ب ویژگی های خردمندان و هدفمندی جهان

يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا
وَقُعُودًا
وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ
وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ

هم آنان که همواره خداوند را در حال ایستادن و نشستن و خوابیدن یاد کرده [و] قلباً مورد توجه قرار می‌دهند، و پیوسته در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند، [و از عمق دل می‌گویند:] پروردگارا! این [جهان با عظمت] را بیهوده نیافریدی، تو [از هر عیب و نقصی] پاک و منزهی، ما را از عذاب آتش نگاه دار!



=> رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

=> سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران ۱۹۱)

- شرح و توضیح آیه: اگر مردم معمولی بخواهند خردمندان را معرفی کنند می‌گویند خردمند آن کسی است که در همه امور زندگی اش پیشرو است، در هیچ کار سرش کلاه نمی‌رود، قرآن چون هیچ یک از این بازی‌گری‌ها را قبول ندارد، چرا که ارزش واقعی را برای انسان اتصال و ارتباط با خدا می‌داند. **يَذْكُرُونَ اللَّه** خردمندان در همه حال یاد خداوند هستند اما این به یاد خدا بودن به معنای یک حالت عرفانی خلسه آمیز درویش مآبانه نیست.... یاد خدا بودن فعال، یاد خدا بودن که عمل محسوب می‌شود.

ایمان آگاهانه خردمندان در قرآن

ج نیایش دیگری از خردمندان و فرجام ستمگران



رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ
وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (آل عمران ۱۹۲)

پروردگارا! هر که را تو در آتش اندازی به یقین او را رسوا کرده‌ای، و برای ستمکاران هیچ یآوری وجود ندارد

شرح و توضیح آیه: خردمندان در حال تفکر به زبان دل و زبان ظاهر در آیه قبل ایدئولوژی زندگی ساز خود را بیان کردند که من اینجا برای کاری هستم... پس من مسئولیتی دارم... در آیه بالا با ندای دومین "رَبَّنَا" ی خودشان می گویند: پروردگار ما! کسی که تو او را به آتش افکنی، زبون و سرافکنده اش ساخته ای و ستمگرانی که تو به آتش بیفکنی، هیچ یاور و پشتیبانی ندارند، نه از تکوین و نه دستی از غیب، به هیچ صورت.

ایمان آگاهانه خردمندان در قرآن

لیک خردمندان به ندای منادی ایمان

د

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا

رَبَّنَا فَاعْفُ رُ لَنَا ذُنُوبَنَا

وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

پروردگارا! به راستی ما صدای نداده‌های که مردم را به ایمان فرامی‌خواند شنیدیم که [می‌گفت:] به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم، پروردگارا! گناهان ما را بیامرزا و بدی‌هایمان را [از پرونده ما] محو کن! و ما را در زمره نیکان بمیران!

(آل عمران ۱۹۳)

شرح و توضیح آیه: این "منادی" ممکن است به ظاهر پیغمبری باشد، اما در باطن، پیامبر عقل و تفکر و بینش آنها است که آنها را به سوی ایمان به خدا فرا می‌خواند و دعوت می‌کند. پس منادی به آنها گفته ایمان بیاورید و آنها از روی درک و شعور و آگاهی کامل ایمان آوردند، این جور ایمانی در اسلام مطلوب است.

ایمان آگاهانه خردمندان در قرآن

دعای پایانی خردمندان

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ

قطعاً خدا خفت و عده نمی کند.
Indeed, Allah does not fail in His promise.

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ < = إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

پروردگارا! آنچه که به وسیله پیامبرانت به ما وعده داده‌ای عطایمان کن! و روز قیامت رسوایمان نساز؛
زیرا تو هرگز از وعدهات تخلف نمی کنی

(آل عمران ۱۹۴)

تخطئه ایمان نا آگاهانه [مآئده ۱۰۴]

@fosselat

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ

وَإِلَى الرَّسُولِ

قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا

أُولَٰئِكَ كَانُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا

وَلَا يَهْتَدُونَ

توضیح: چون خداوند "ایمان نا آگاهانه" را قبول ندارد و ارج و ارزشی برایش قائل نیست، لذا چندین جای قرآن، ایمان های کورکورانه ی مقلدانه متعصبانه، که غالباً هم این جور ایمان ها آدم را با مغز به زمین می کوبند، این چنین ایمان هایی را با شدت توبیخ می کند.

هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به سوی پیامبر آیید، می گویند: آیینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم ما را بس است. آیا از پدران خود تقلید می کنند! هر چند پدرانشان چیزی نمی فهمیدند، و در مسیر هدایت قرار نداشتند؟



بطلان ایمان کورکورانه و مقلدانه از پدران

1- تعصب زمینه ای برای تقلید جاهلانه

وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانِ
 آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (بقره 170)

و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید می گویند نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمیکرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم در خور پیروی هستند]

2- پرهیز از عمل زشت نیاکان

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ
 بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (اعراف 28)

و چون کار زشتی کنند می گویند پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است بگو قطعا خدا به کار زشت فرمان نمی دهد آیا چیزی را که نمیدانید به خدا نسبت می دهید

3- دلیل نحراف مشرکان ، تقلید از نیاکان گذشته

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ {21} بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ
 مُهْتَدُونَ {22} وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا
 عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ {23} قَالَ أُولُو جِنَّتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ
 {24} (زخرف 21 الی 24)

آیا به آنان پیش از آن [قرآن] کتابی داده ایم که بدان تمسک می جویند (21) [نه] بلکه گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی گیری از آنان راه یافتگانیم (22) و

بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته ایم و ما از پی ایشان راهسیریم

(23) گفت هر چند هدایت کننده تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته اید برای شما بیاورم گفتند ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم (24)



@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

خلاصه سلسله جلسات آیت الله سید علی خامنه ای حفظه الله
(رمضان ۱۳۵۳ شمسی)

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی

جلسه چهارم: ایمان زاینده و همراه با تعهد های عملی [عمل به تکلیف، شرط تحقق وعده های الهی]



آیا ایمان به معنای باور و پذیرش فکری کامل، به تنهایی و به طور مجزّد کافی است؟
یا ایمان از این جهت که **نقشیند زندگی** و **زاینده عمل** است، معتبر می باشد؟

قرآن - ایمان را همواره در کنار عمل به عنوان انگیزشی برای بيمودن راهی درست به سوی مطلوب مورد نظر قرار داده و در ده ها آیه، پاداش های دنیوی و اخروی را برایمان توأم با عمل، مترتب ساخته است.

(کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۸۹)

۱- مشخصات جامعه ایمانی

- ایمان شرط برتری در برابر دشمنان

- امنیت برای مومنین است

۲- مولفه های ایمان متعهدانه (همورد)

- مولفه های ایمان متعهدانه در آیه ۷۸ سوره حج

۳- تعهد ایمانی "هجرت" (سه گروه مختلف مسلمانان)

- معنای صحیح "هجرت" [عمل ناشی از ایمان]



(حج آیه ۷۷)

توضیح: ایمان ، بر طبق فرهنگ قرآن، صرفاً یک امر قلبی نیست .

ایمان مجرد ، ایمان قلبی خشک و خالی ، ایمانی که در جوارح و اعضای مومن مشهود نیست : این ایمان از نظر اسلام ارزشمند نیست .

- اول مومن به خدا شیطان است .

ابلیس سالیانی خدا را عبادت می کرد و دلش کانون معرفت خدا بود ، اما در آن بزنگاه در آنجایی که ایمان ها همه آنجا به کار می آیند ، یعنی در هنگام انتخاب ، تعیین راه نهایی ، این ایمان به کار ابلیس نیامد ، این ایمان در همان دل ماند .

ایمانی که فقط در دل بماند ، می پوسد می خشکد .

= > جامعه ای که به تعهدات ایمانی عمل نمی کند ، نام خود را جامعه مومن نگذارد .

ایمان شرط برتری در برابر دشمنان *

وَلَا تَهْنُوا
و سست نشوید
وَلَا تَحْزَنُوا
و غمگین نشوید

= < وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
در حالی که شما برترید اگر مومن باشید

(آل عمران ۱۳۹)

توضیح: آن کسانی که این صلاهی عجیب را از قرآن شنیدند، بعد به واقعیت ها نگاه می کنند می بینند مومنین به قرآن از همه برتر نیستند، بلکه گروکش همه هستند و تعجب می کنند که این وعده قرآن پس کو؟! و اگر زمانی برای انجام این وعده پیدا نکردند، منتظر **ولی عصر** (صلوات الله علیه) می مانند.

= < به این عده باید خاطر نشان کرد که بله، وعده الهی حق است، هم در زمان **ظهور مهدی موعود (ص)** و هم هرجایی که ایمان صورت بندد. ایمانی که قرآن آن راه همراه عمل می داند و از تعهد جدا نیست.

نمونه تاریخی: اگر فقط پذیرش در صدق کلمه ایمان کافی بود، من می گویم **اول مومن به پیامبر (ص) ابولهب** یا **ولید بن مغیره** مخزومی بود، آن هوشمندان عرب خوب می فهمیدند که رسول خدا راست می گوید: اما شما بعد از 14 قرن از آن تاریخ او را شیعه نمی دانی. و یا **عمرو بن عاص**، پشیمان از دوستی با معاویه

امنیت برای مومنین است *

الَّذِينَ آمَنُوا

کسانی که

ایمان آوردند

وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ

و ایمان خود را با ستمگری نیامیختند

<= أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ

آنانند برای ایشان ایمنی

وَهُمْ مُهْتَدُونَ

و آنها راه یافتگانند

(انعام ۸۲)

توضیح: ایمانی در اسلام معتبر است که زاینده و تعهد آفرین باشد.

نباید منتظر نصرت ، امنیت و نتیجه ایمانی باشیم که با تعهد های عملی همراه نیست .

- وصیت معاویه به نزدیکانش

در پی ترویج فرهنگ ایمان بدون عمل است که "معاویه" سفارش می کند: "وقتی من مردم ، این بسته های کوچک را در کفن من بگذارید: " پرسیدند : این بسته ها چه هستند ؟ گفت : " ۱- یک دانه اش قسمتی از لباس پیامبر است ، ۲- یک روز هم پیامبر سر و صورتش را اصلاح می کرد یا ناخن می گرفت ، چند دانه از آن ذرات مو و ناخن دور افتاده پیامبر را جمع کردم . این ها را در کفن من بگذارید تا خدا مرا ببخشد . "

موتفه های ایمان متعهدانه (همورد)

@fosselat

۱- وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ

در راه خدا چنانکه شایسته است مجاهدت نمایید

۲- هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ

اوست که شما را برگزید و در دین بر شما هیچ دشواری و ناسازی قرار نداده ،

مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۚ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا

این شیوه و آیین پدرتان ابراهیم است ، او شما را از پیش و در این نوبت "مسلم" نامیده است

=> لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ

تا پیامبر گواه و دید بان شما باشد

وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

و شما گواهان و دیدبان بشریت باشید

۳- فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۚ وَآتُوا الزَّكَاةَ ۚ

و به پا دارید نماز را

و بدهید زکات را

وَأَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ ۚ - هُوَ مَوْلَاكُمْ

به خدا متکی و پناهند گردید (به آئین او متوسل شوید) او است سرپرست و پشتیبان شما ،

=> فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ

نیکو سرپرست و نیکو یاور است

(سوره حج آیه ۷۸)

مولفه های ایمان متعهدانه (همورد)

@fosselat

* مولفه های ایمان متعهدانه در آیه ۷۸ سوره حج

۱- جهاد "وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ"

حجم، کیفیت، عمق و پایداری تلاش در راه خدا باید به نسبت بزرگی و عظمت خود خدا، از همه تلاش ها بزرگ تر، پایدارتر و خستگی ناپذیرتر باشد.

۲- زمامداری بشر "هُوَ اجْتَبَاكُمْ..."

"برگزیدن" یعنی ای ملت اسلام، شما را به صورت دردانه های نازپرورده ای کنار گذاشته و گفته این ها تافته جدا بافته هستند، حتی اگر گناه کردند، خلاف فرمان ما عمل کردند، باز هم بهشت به نام این هاست؟ [اگر

چنین باشد،] این حرف یهودی هاست درباره خودشان؟!؟ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ

دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۹۴) وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ

أَمَانِيهِمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۱۱) (سوره بقره)

این "برگزیدن" به معنای انتخاب آماده ترین فرد برای بزرگترین کار است.

گزینش امت اسلام، مانند گزینش قوم بنی اسرائیل، از این قبیل است.

۳- اقامه نماز "فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ"

حال که شما از طرف خداوند به ماموریت دشواری اعزام می شوید این تعهد های عملی را انجام دهید.

۴- پرداخت زکات "آتُوا الزَّكَاةَ"

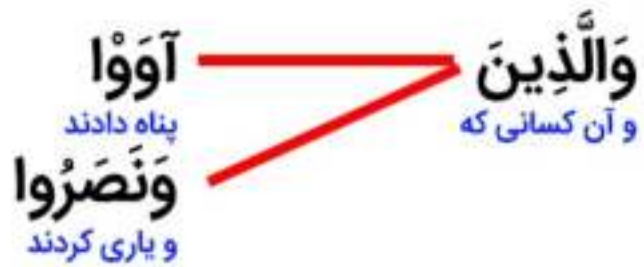
۵- اعتصام به خدا "وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ"

به خدا و ائین الهی توکل کنید، به او پناه ببرید، چرا که خدا سرپرست و نگهبان و هم جبهه شماست.

تعهد ایمانی "هجرت" (سه گروه مختلف مسلمانان)



(انفال ۷۲)



<=> أَوْلِيَّكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

آنان به هم پیوستگان و هم جبهه گان یکدیگرند.



عهد ایمانی "هجرت" (سه گروه مختلف مسلمانان)

* معنای صحیح "هجرت" [عمل ناشی از ایمان]

هجرت یعنی چه؟ یعنی از شهری به شهر دیگر مهاجرت کردند و بس؟ نه!

"هجرت" به معنای یک باره از همه چیز دست شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی و به خاطر قبول تعهد در مجموعه تشکیلات جامعه اسلامی است.

هنگامی که مسلمانان از مکه بیرون رفتند، مغازه پر متاع و پر کالای آن ها دیگر متعلق به آنها نبود.

"هجرت" یعنی برای بنای کاخ عظیم جامعه اسلامی یک خشت بردن.

جامعه اسلامی که در مدینه به وجود آمده بود، به عناصر مومن، فعال، پرتلاش، پرتوان، سابقه دار، اسلام فهم، محب و معتقد به این راه با دلی سرشار از ایمان احتیاج داشت.

آن کسی که هجرت می کرد از مکه، از انس و محبت و خاطره و راحتی عیش و نوش می گذشت.



@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن
خلاصه سلسله جلسات آیت الله سید علی خامنه ای حفظه الله
(رمضان ۱۳۵۳ شمسی)

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی

جلسه پنجم: ایمان و پایبندی به تعهدها
|| احساس تعهد در مقابل همه احکام خدا ||



مومنین واقعی در همه حال خود را ملزم به تعهدات ایمانی می دانند . چه آنجایی که این تعهدات به سود منافع شخصی آنها باشد و چه آنجا که با منافع شخصی سازگار نباشد ، به حکم الهی گردن می نهند و در مقابل آن تسلیم هستند .

[مقام معظم رهبری - 1353 شمسی]

الف) پایداری در تعهد های ایمانی

ب) تفسیر و تبیین آیات ۴۶ تا ۵۲ و ۵۵ سوره نور
در باب شناخت ایمان متعهدانه و غیر متعهدانه

۱- آیات روشنگر قرآن و هدایت الهی (نور ۴۶)

۲- جلوه عملی ایمان غیر متعهدانه [تناقض گفتار و رفتار منافقان مدعیان ایمان] (نور ۴۷)

۳- مدعیان ایمان، قضاوت خدا و رسولش را نمی پذیرند! (نور ۴۸)

۴- منفعت طلبی منافقان از دین (نور ۴۹)

۵- موانع پایداری در ایمان راستین [سه دلیل عدم پذیرش حکم پیامبر توسط منافقان ظالم] (نور ۵۰)

* حالات و صفات هشتگانه منافقان در آیات ۴۷ الی ۵۰ سوره نور [موانع پایداری در ایمان]

۶- جلوه عملی ایمان راستین [تسلیم بودن مومنان در برابر داوری خدا و پیامبر و رستگاری آنان] (نور ۵۱)

۷- سه ویژگی پیروزمندان رستگار (نور ۵۲)

۸- نوید حکومت جهانی اسلام به مومنان متعهد [دوران حاکمیت مطلق دین الهی و بندگی خالص او] (نور ۵۵)

* شرح و توضیح آیه ۵۵ سوره نور

تعهد های یک فرد مومن ، گاه گاه و دل بخواهی نیست . این طور نیست کسی که می خواهد خود را مومن قلمداد کند ، هر جا که نفع او شود و بهره شخصی تجاوز کارانه ی خودش ایجاب کرد ، مومن باشد ، ولی در آن مواردی که ایمان و عمل برای او سود شخصی ، سود متجاوزانه تولید نکرد ، از نام اسلام و ایمان و عمل به تعهد های ایمانی روی گردان باشد . منفعت طلبان متجاوز این طور هستند مثل معاویه .
تعهد همیشگی و همگانی است .

- اهداف رسالت پیامبران [نعمت بزرگ الهی بر مومنان]

دینی که پیامبر به آن مبعوث شد ، برای تعلیم و تربیت مردم بود : (آل عمران آیه ۱۶۴)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ :
۱- يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ ۲- وَيُزَكِّيهِمْ ۳- وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ...

یقیناً خداوند به مؤمنان نعمتی عظیم و ارزشمند عطا فرمود آن گاه که در بین آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند، و [از هر نوع آلودگی] پاکشان می کند، و کتاب و معارف استوار و سودمند به آنان می آموزد، ..

- امیر مومنان علی علیه السلام می فرماید : پیامبران را خدا فرستاد تا گنجینه های عقل و خرد را در مردم و انسان ها بر انگیزند

وَ يُثِيرُوا لَهُم دَفَائِنَ الْعُقُولِ (نهج البلاغه - خطبه ۱)

تا گنجینه های خرد را در میان انسان ها برانگیزاند.

=> هر چیزی که با عقل مردم مبارزه می کند ، دین با او مبارزه می کند .

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ

همانا آیاتی روشنگر نازل کردیم،

وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و خدا هرکه را بخواهد به راه راست رهنمون می گردد.

- شرح و توضیح معنای "مشیت الهی"

خواستن خدا یعنی چه ؟ یعنی یک نفر را خدا می خواهد ، یک نفر را نمی خواهد ؟

اراده خدا به این معناست که وسایل و اسباب عادی پیش آمده یا نیامده ، اگر وسایل و علل عادی پیش آمده برای

انجام گرفتن این معلول ، با اراده و خواست شما ، اینجا خدا خواسته . اگر چنانچه شما نخواستید پیداست که خدا

نخواسته ، نه اینکه نخواستن خدا موجب بشود که شما اراده نکنید ، نه ، شما اراده کردن آزادید . **خدا نخواسته**

یعنی علت لازم مترتب نشده ، خب چرا نمی گوئیم علت لازم مترتب نشده ، می گوئیم خدا نخواسته ؟

برای خاطر اینکه به وجود آورده ی علت ها و خاصیت بخش علت ها خدا بود ... به خاطر اینکه آفریننده علت

هاست ، به این دلیل .

نکته : این "من یشاء" ها در همه جای قرآن از این قبیل است .



تفسیر و تبیین آیات ۴۶ تا ۵۳ و ۵۵ سوره نور در باب شناخت ایمان متعهدانه و غیر متعهدانه

جلوه عملی ایمان غیر متعهدانه [تناقض گفتار و رفتار منافقان مدعیان ایمان] (نور ۴۷)

وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ
وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا
ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
= وَمَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

و می گویند ایمان آوردیم به خدا
و به پیامبر
و سر به فرمان نهادیم

آنگاه گروهی از آنان پس از این ادعا سر از فرمان دین می پیچند
و اینان مومن نیستند .

توضیح: گروهی از آنان (ایمان آورندگان) پس از این ادعا که ایمان آورده اند از فرمان خدا و پیغمبر رو بر می گردانند - صحبت از کفار نیست ، صحبت از مرتدین نیست که یکهو قهر می کنند ، از عالم اسلام خارج می شوند ، می روند ؛ نه صحبت از همین مومنین معمولی داخل جامعه هاست ، جامعه اسلامی - قرآن می گوید اینها مومن نیستند .

تفسیر و تبیین آیات ۴۶ تا ۵۲ و ۵۵ سوره نور در باب شناخت ایمان متعهدانه و غیر متعهدانه

مذعیان ایمان ، قضاوت خدا و رسولش را نمی پذیرند ! (نور ۴۸)

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ

= لِيَحْكَمَ بَيْنَهُمْ

چون دعوت شوند به سوی خدا و پیامبر که میان آنان حکم و داوری کند ،

إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ

ناگهان گروهی از آنان را می نگری که روی گردانند .

وچون دعوت شوند به سوی خدا و پیامبر که میان آنان حکم و داوری کند ،

ناگهان گروهی از آنان را می نگری که روی گردانند .

توضیح : آیه به حسب ظاهر درباره قضاوت است ، تعبیر "حکومت" در قرآن ، غالباً ، نمی گویم همیشه ، به

معنای قضاوت کردن است ، همان چیزی که "داوری و قضاوت" به آن می گوئیم ، اما **مضمون آیه****عام است** ، چنین نیست که این درباره کسانی است که تن فقط به قضاوت پیغمبر نمی دهند ، نه ،

آن کسانی که تن به فرمان پیامبر در غیر موارد قضاوت هم نمی دهند ، مشمول آیه اند .



وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

و اگر (در ماجرای) حق به جانب آنان باشد، گوش به فرمان و سر به راه، نزد پیامبر می آیند.

توضیح: اگر حق به جانب آنها باشد، بیایند به سوی پیامبر اطاعت کنندگان، با اذعان.

آنجایی که بناست حکم به نفع آنها باشد، در مقابل دین تسلیمند، آنجایی که احتمالا حکم به زیان آنهاست، دین را قبول ندارند.

اینجا قرآن اینها را به استیضاح می کشد در حقیقت.

چرا آنجایی که به سود شخصیتان نیست، دین را قبول نمی کنید؟ 3 دلیل دارد که در آیه ۵۰ سوره نور بیان می کند.

۱- أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ آیا در دل مرضی دارند ؟

۲- أَمْ أَرْتَابُوا یا به دودلی و شک (در امر دین) دچار شده اند ؟

۳- أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ یا می ترسند که خدا و پیامبرش بر آنان ظلم کنند ؟

=> بَلْ أَوْلِيكَ هُمُ الظَّالِمُونَ بلکه حقیقت آن است که آنان خود ستمگراند .

توضیح : اول : آیا در دل آنها بیماری است ؟ بیماری نفاق ؟ بیماری هوا و هوس ؟

بیماری جهل و غرور ؟ این بیماری در دل آنهاست که نمی پذیرند حکم را ؟ یا بالاتر از این است ؟

دوم : یا اصلا در دین شک کردند اینها ؟ اگر شک نداری چرا آنجایی که به سودت نیست و برایت زحمت دارد ، آنجا حاضری زیرش بزنی ؟

سوم : یا از این مهم بالاتر است : شاید می ترسند که خدا و رسولش به آنان ظلم کنند، که این از آن شک کردن بالاتر است ، این عین کفر است ... آن کسی که چنین ترسی داشته باشد ، این آدم پیدا است که خدا و رسولش را اصلا نمی شناسد و قبول ندارد .

اینها خودشان ظالمند به خود و حقیقت ستم می کنند .

تفسیر و تبیین آیات ۴۶ تا ۵۲ و ۵۵ سوره نور در باب شناخت ایمان متعهدانه و غیر متعهدانه

* حالات و صفات هشتگانه منافقان (در آیات ۴۷ الی ۵۰ سوره نور) [موانع پایداری در ایمان]

- ۱- گفتار و رفتارشان تناقض دارد می گویند ایمان آوردیم ولی در عمل چنین نیستند .
- ۲- بی ایمان و بی تعهد هستند .
- ۳- حکم و داوری خدا و پیامبر (ص) را نمی پذیرند .
- ۴- سود محور هستند و هر جا پیامبر به نفع آنان حکم کند ، به سوی او می آیند .
- ۵- بیمار دل هستند .
- ۶- نسبت به نبوت و داوری پیامبر تردید دارند .
- ۷- می ترسند که خدا و پیامبر به آنان ستم روا دارند .
- ۸- به خود و دیگران ستم می کنند چون به حق خود قانع نیستند و حق مردم را می خواهند .



إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

اگرچه این سخن مومنان هنگامی که نزد خدا و پیامبر برای حکم و قضاوت فرا خوانده شوند آن‌ها می‌گویند: شنیدیم (دانستیم) و فرمان بردیم و اولاد آن‌ها نجات‌یافته‌اند و فقط آن‌هاست رستگاران و به هدف نایل شوندگان .

توضیح: اما مومنین چه جورند؟ ببینید فرهنگ قرآنی این است .

مومنین در اصطلاح قرآن کسانی هستند که پس از آنکه به سوی خدا و رسول دعوت شدند می‌گویند شنیدیم (و فهمیدیم) و فرمان بردیم یعنی پس از آنکه آگاهانه ایمان آوردیم ، آن وقت اطاعت هم ورزیدیم .

- معنای واژگان

سمعنا: یعنی فهمیدیم ، نیوشیدیم نه به گوش شنیدیم .

فلاح: موفقیت ، پیروز شدن و به هدف و مقصود دست یافتن .

رستگاری یعنی رستن .

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

و هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند و از خدا بیم برد و پروا کند پس منحصرا آنهایند موفق شوندگان

*آگاهی: در حدیث امام باقر علیه السلام یکی از مصادیق کامل آیه، علی (ع) معرفی شده است.

توضیح: آن کسی که مومن است و می خواهد مومن بماند و از ثمرات مومن بودن بهره ببرد، در مقابل همه ی احکام خدا باید احساس تعهد کند و در همه جا از دستورات دین پیروی کند.

قرآن در مقام توبیخ بنی اسرائیل می فرماید:

..أَفْتُومِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ... (بقره ۸۵)

=> به بعضی از دین ایمان دارید، به آنجا های بی دردسر راحتش مومنیند و متعهد، به بعضی دیگر از دین بی ایمانید؟

فوز: به منظور و مقصود دست یافتن

[صفحه ۹۲ کتاب]

تفسیر و تبیین آیات ۴۶ تا ۵۲ و ۵۵ سوره نور در باب شناخت ایمان متعهدانه و غیر متعهدانه

نوید حکومت جهانی اسلام به مومنان متعهد [دوران حاکمیت مطلق دین الهی و بندگی خالص او] (نور ۵۵)

خدا وعده نوید داده است به کسانی که ایمان آورده از شما و عمل شایسته انجام دهند

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

اول: خلافت در زمین

۱- لَيْسَتْخَلِيفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

که بدون تردید آنان را در زمین خلیفه و جانشین - می سازد، همان طور که پیشینیان را خلیفه ساخت .

دوم: جهانی شدن دین مرضی الهی (اسلام)

۲- وَلَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

و مستقر و پابرجا می نماید، آئینشان را که برای آنان پسندیده است .

سوم: امنیت جهانی و فراگیر

۳- وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

و قطعاً ارزانی می دارد پس از ترس و نا امنی، برای ایشان امنیت را

= > يَعْْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

که عبودیت کنند مرا و کسی را شریک من قرار ندهند

نتیجه ظهور: وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ - فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و هر که کفر ورزد پس از آن پس آنان همان نافرمانبردارانند .



تفسیر و تبیین آیات ۴۶ تا ۵۲ و ۵۵ سوره نور در باب شناخت ایمان متعهدانه و غیر متعهدانه

* شرح و توضیح آیه ۵۵ سوره نور [دو شرط تحقق وعده حکومت جهانی اسلام و ظهور منجی]

الف) وعده الهی در این آیه به صراحت می گوید: ما به مؤمنین وعده کردیم که حکومت روی زمین برای شماست، ایده و آیین و فکر و مکتب شما بر جهان خیمه خواهد زد، ترس و بیمناکی شما بدل به امن و امان خواهد شد، اگر در طول تاریخ زجر کشیدید، جور بردید، بعد از این به راحتی، بی دغدغه، بی تشویش خواهید زیست و خدا را عبادت خواهید کرد و رقبای خدا را از زمین خواهید انداخت. **این وعده مربوط است به مؤمنین متعهد... شرط تحقق این وعده چیست؟** شرطش این است که جملات اول آیه محقق شود: خدا وعده داده به کسانی که ایمان بیاورند و عمل شایسته و صالح کنند؛ یعنی طبق تعهدات این ایمان عمل کنند.

ب) عمومیت معنای آیه: بعضی خیلی وسواسی می شوند، می گویند این آیه مخصوص زمان ولی عصر (ع) است. شکی نداریم ما در اینکه امام زمان مصداق کامل این آیه است. در این تردیدی نیست؛ اما کجای این آیه نوشته که مخصوص آن زمان است؟ بگویید ببینیم! چرا آیه را محدود می کنید؟ مگر خدا با مؤمنین صدر اسلام به این وعده عمل نکرد؟

ج) جانشینی مومنان در زمین: ما خیال می کنیم مؤمنین هر جا بودند از اول عالم، همیشه توسری خورده اند، اصلاً تاریخ دانی و جهان بینی عامه‌ی مسلمان‌ها این است که ایمان یعنی ملازمت با کتک خوری؛ و مؤمن بودن، ملازم با زجر کشیدن و کشته شدن و... در حالی که این گونه نیست...

د) تبدیل ترس به امنیت: در سایه‌ی این امنیت چه کار کنند؟ امنیت داشته باشند تا بتوانند راحت لم بدهند و بی‌عاری کنند؟ نه. آن امنیت برای این است که بتوانند در سایه‌ی آن، یک گام و ده گام به سوی سرمنزل نهایی انسان، یعنی تکامل، نزدیک بشوند. بتوانند بندگی خدا کنند.

[صفحه ۱۰۲ و ۱۰۳ کتاب]